

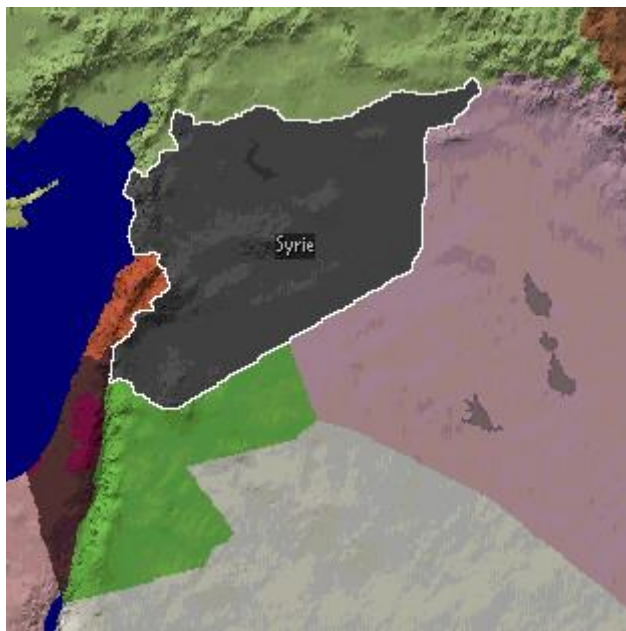
گاهنامه هنر و مبارزه

19 فوریه 2011

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/>

سوریه : جنگ بشردوستانه آینده توسط ناتو نوشته میشل شوسودوسکی ترجمه توسط حمید محوی

par Michel Chossudovsky



Mondialisation.ca, Le 17 février 2012

مقدمه

«برای تسهیل عملیات نیروهای رهایی بخش، [...] در اوایل شورش و مداخله با اقدامات ویژه، باید برخی افراد کلیدی حذف شوند» [...] به محض این که تصمیمات سیاسی برای ایجاد شورش در سوریه اتخاذ گردید، سیا و اینتلیجنت سرویس (ام 16) باید در خاک سوریه حوادث محدود، خرابکاری، با هم کاری افراد سازماندهی کنند [...] ایجاد سانحه و حادثه نباید روی دمشق تمرکز یابد» [...]

علاوه بر این : ترس و وحشت زیاد [...] ایجاد حوادث، زد و خورد در مناطق مرزی (صحنه آرایي در مناطق مرزی) [...] بهانه کافی برای مداخله را فراهم می سازد [...] سیا و اینتلیجنت سرویس (ام 16) باید از امکاناتشان در سطح جنگ روانی برای بالا بردن تنش در منطقه استفاده کنند.»

(پرونده افشا شده در مورد سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده و انگلستان، لندن، واشینگتن، 1957)

دروغ های رسانه ای و تبلیغات دولتی رویدادهای سوریه را به عنوان «جنبش اعتراضی صلح جویانه» معرفی کرده اند.

منشأ «تظاهرات» به شکلی که رسانه های حاکم مطرح می کنند به هیچ عنوان در شکاف سیاسی داخلی نیست. «تظاهرات» به آن شکلی که از طریق رسانه های حاکم در اذهان عمومی انعکاس یافته، در واقع از همان آغاز حاصل عملیات پنهانی سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده و ناتو بوده است. هدف چنین عملیاتی، بی ثبات سازی سوریه از طریق ایجاد هرج و مرج اجتماعی و به هدف بی اعتبار سازی دولت بشار الاسد و بی ثبات سازی سوریه به عنوان دولت-ملت بوده است.

از اواسط مارس 2011، گروه های مسلح اسلام گرا، به پشتیبانی سرّی سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده و اسرائیل، حملات تروریستی هم راه با ایجاد آتش سوزی علیه ساختمان های دولتی را به اجرا گذاشتند. تیراندازان ماهر حرفه ای که از باند سربازان مزدور تشکیل شده، با سازماندهی کردن کمین، پلیس، نیروهای نظامی و شهروندان ناشناس را هدف قرار می دادند. این موضوع به شکل گسترده به اثبات رسیده و پرونده های بسیار زیادی موجود است. به شکلی که در گزارشات دیدبانان اتحادیه عرب مطرح گردیده، مدارک زیادی وجود دارد که گروه های مسلح را مسئول کشتار شهروندان معرفی می کند.

در حالی که ارتش و دولت سوریه مسئولیت سنگینی را به عهده دارند، باید بی هیچ ابهامی بگوییم که اعمال تروریستی، به انضمام قتل رایگان مرد و زن و کودک، نتیجه اقدامات ایالات متحده، ناتو و اسرائیل بوده است که با آموزش و تجهیز و تأمین مالی «گروه های مسلح» در سوریه دست به عملیات زده اند.

بر اساس گزارشات، دلایل متعددی نشان می دهد که مأموران اطلاعاتی بیگانه به صفوف شورشیان ضمیمه شده اند.

یکی از نمایندگان امنیتی گفته است که وقتی که هرج و مرج و کشتار در کشور عربی به جریان افتاد، مأموران ام 16 و سیا که از پیش در سوریه حضور داشتند، به ارزیابی وضعیت پرداختند. از سوی دیگر نیروهای ویژه با سربازان فراری سوریه مذاکره پرداخته اند، هدف از این مذاکرات این بود که بدانند در صورتی که تصمیم بگیرند نیروهای شورشی را تجهیز کنند، به چه نوع سلاح و ابزار اطلاعاتی نیازمند خواهند بود.

یک منبع آگاه اعلام کرده است که «ام 16 و سیا در سوریه هستند و عملیات نفوذ آنها برای کسب اطلاعات بوده».

«اس آ اس (نیروی هوایی ویژه)، و اس بی اس (نیروی ویژه اطلاعاتی) می خواهند بدانند که چه می گذرد و سربازان به چه تجهیزاتی نیازمند هستند.»

([Syria will be bloodiest yet](#), Daily Star). (C'est l'auteur qui souligne)

«ارتش سوریه آزاد» اختراع مستقیم ایالات متحده و ناتو است. هدف از این مداخله نظامی، تحریک واکنش پلیس و نیروهای نظامی به وسیله تانک تهاجمی و زره پوش است که دیر یا زود مداخله نظامی را توجیه ساخته و «مسئولیت حفاظتی» را به عهده ناتو خواهد گذاشت.

طرح مداخله ناتو که مراحل مقدماتی آن پیش از مارس 2011 تهیه شده بود در دست بررسی می باشد. بر اساس منابع نظامی و اطلاعاتی، ناتو، ترکیه و عربستان سعودی درباره «چگونگی و شکلی که این مداخله باید داشته باشد» گفتگو می کنند. مأموران ایالات متحده، انگلستان و ترکیه مسئولیت تحویل تجهیزات نظامی به شورشیان را به عهده دارند. وزیر دفاع بریتانیا به سهم خود تأیید کرد که در حال تهیه طرح منطقه ممنوعه پرواز، تحت نظارت ناتو و با هم کاری کشورهای هم پیمان است، ولی مقدما باید حکم شورای امنیت در سازمان ملل متحد را در اختیار داشته باشد. بر اساس طرح های سری «جنگ در سوریه می تواند خیلی مهمتر و خونبارتر از جنگ علیه قذافی باشد.» مداخله نظامی «بشر دوستانه» بر اساس الگوی لیبی طرح ریزی می شود. نیروهای ویژه ناتو، بریتانیا، فرانسه، قطر و ترکیه با نقض حقوق بین الملل در خاک سوریه مستقر هستند. این موضوع را منابع نظامی بریتانیا تأیید کرده اند : «نیروهای ویژه بریتانیا با ارتش سوریه آزاد ملاقات داشته اند [...] ظاهرا هدف از این ملاقات مقدماتی ارزیابی توانایی شورشیان و گشودن راه برای هر گونه عملیات در آینده بوده است [...]»

گزارشات تازه تر حاکی از این امر است که نیروهای ویژه بریتانیایی و فرانسوی به شکل فعال اعضای ارتش سوریه آزاد را در پایگاهی که در ترکیه واقع شده، آموزش می دهند.

گزارشات دیگری نشان می دهد که آموزش ها در لیبی و در شمال لبنان صورت گرفته است.

مأموران بریتانیایی ام 16 و ستاد مشترک اعضای اس آ اس، و ای بی اس شورشیان را برای جنگ داخلی (جنگ در مناطق شهری) آموزش می دهند، و در عین حال سلاح و تجهیزات در اختیار آنها می گذارند. مأموران سیا و نیروهای ویژه ایالات متحده شورشیان را در زمینه اطلاعاتی پوشش می دهند.»

([Elite Forces UK](#), 5 janvier 2012)



وضعیت اجتماعی - سیاسی سوریه

در منشأ تشنج‌های اجتماعی و تظاهرات توده‌ها در سوریه، مطمئناً دلایل روشنی وجود دارد: در این سال‌های گذشته افزایش بی‌کاری و فروپاشی شرایط اجتماعی، به ویژه از دوران اصلاحات رادیکال اقتصادی در سال 2006 به مدیریت صندوق بین‌المللی پول که شرایط بسیار سختی را تحمیل کرد، انجماد حقوق، دگرگونی در نظام مالی، خصوصی‌سازی و اصلاحات تجاری.

(Voir le site du FMI — [IMF Article IV Consultation Mission's Concluding Statement](#), 2006).

از سوی دیگر، اختلافات عمیقی در بطن دولت و ارتش وجود دارد. چهار چوب سیاسی پوپولیستی در حزب بعث به شدت فرسوده شده است. یکی از بخش‌های ممتاز هیئت رهبری با ننویر الیسم وصلت کرده است و به کار بستن «درمان اقتصادی» به شیوه‌ای که صندوق بین‌المللی پول پیشنهاد می‌کند، موجب ثروت بیشتر برای صاحب‌منصبان اقتصادی شد. بخش‌های طرفدار ایالات متحده در مراتب بالای ارتش و اطلاعات سوریه نیز گسترش پیدا کرد. ولی نقش جنبش «طرفدار-دموکراسی» که به بازیگران اسلام‌گرا

واگذار شده و از جانب ناتو و «جامعه بین المللی» حمایت می شوند، از پشتیبانی جامعه سوریه برخوردار نیستند.

موج اعتراضی خشونت بار شامل بخش بسیار ناچیزی از افکار عمومی در سوریه می شود. این حرکات تروریستی با خصلت مذهبی به هیچ عنوان برای مسائلی مانند بی کاری و اختلاف طبقاتی، حقوق شهروندی راه حلی ندارد. اکثریت مردم سوریه به علاوه مخالفان دولت بشار الاسد از این جریان اعتراضی و شورش مسلحانه دفاع نمی کنند، و به طریق اولی موضع گیری آنها کاملاً در قطب مخالف است.

وجه طنز آمیز این موضوع به این شکل است که علی رغم طبیعت قدرت مدار دولت رئیس جمهور بشار الاسد از پشتیبانی قابل توجه مردم برخوردار بوده ، و گردهم آیی های گسترده آنها به نفع دولت این موضوع را تأیید می کند. سوریه تنها دولت مدنی مستقلی است که در جهان عرب هنوز وجود دارد. پایگاه مردمی، ضد امپریالیستی و مدنی میراثی که از دوران حزب بعث بر جا مانده و مسلمانان، مسیحیان و دروزها را در خود جای داده و از مبارزه ملت فلسطین دفاع می کند. هدف نهایی متفقین ایالات متحده و ناتو تخریب دولت بشار الاسد و جایگزین ساختن آن توسط یک شیخ یا یک نوع جمهوری اسلامی طرفدار ایالات متحده یا یک نوع (به اصطلاح) «دموکراسی» طرفدار ایالات متحده است.



تظاهرات برای دفاع از دولت، دمشق مارس 2011

شورش : الگوی لیبی

خصوصیات شورش در سوریه مشابه شورش در لیبی می باشد : از بریگادهای شبهه نظامی شبکه القاعده تشکیل شده که مستقیماً از پشتیبانی ناتو و ترکیه برخوردار هستند. گزارشات متعدد تأیید می کند که فرماندهان عالی رتبه ناتو و ترکیه تجهیزات نظامی در اختیار شورشیان گذاشته و به آنها آموزش نیز داده اند : «استراتژیهای ناتو فکر می کنند که به طریق اولی مقادیر زیادی راکت ضد تانک و ضد هوایی، خمپاره و مسلسل سنگین باید به شورشیان و مراکز اعتراضی داده شود تا نیروهای نظامی دولتی را به عقب نشینی وادار سازند.»

([DEBKAFfile](#), NATO to give rebels anti-tank weapons, 14 août 2011)

«علاوه بر این، منابع نظامی تأیید کرده اند که شورشیان سوریه تحت سرپرستی افسران نظامی ترکیه کاربرد سلاح های نوین را می آموزند، و آموزش آنها نیز در اماکن مختلف در پایگاه های ترکیه که در مجاورت مرز سوریه واقع شده است صورت می گیرد.» گزارشات تازه حضور نیروهای ویژه بریتانیایی و قطری را در شهر حمص تأیید کرده، و در تشکلات شورشیان شرکت دارند و علاوه بر این با همکاری ارتش ترکیه در پی ذخیره سازی اسلحه هستند.

به همان شکلی که در لیبی به وقوع پیوست، عربستان سعودی پشتیبانی مالی نیروهای شورشی در سوریه را به عهده دارد : «ترکیه و عربستان مقادیر زیادی اسلحه و صندوق پول به شکل مخفیانه به سوریه گسیل داشته است. پیش بینی شده است که یگانهای سعودی و شورای همکاری خلیج در هم آهنگی با ترکیه در جنوب سوریه گسترش یابند. فعالیت های ناتو به متشکل ساختن شورشیان و ارسال سامانه های نظامی محدود نمی گردد، بلکه علاوه بر این ها در پی استخدام هزاران « مبارز آزادی » هستند که دوران مجاهدین در افغانستان را تداعی می کند که به هم کاری سیا علیه شوروی ها جهاد اعلام کرده بودند.

استخدام مجاهدین به استراتژی ناتو در لیبی تعلق داشت، یعنی جایی که نیروهای مزدور تحت مدیریت فرماندهی سابق گروه مبارزان اسلامی در لیبی، عبدالحکیم بلحاج، می جنگیدند.

الگوی لیبی در رابطه با نیروهای شورشی در پیوست با بریگادهای اسلامی در کنار ناتو در سوریه دوباره به کار بسته شده است. مبارزان مسلمان از پشتیبانی سرویس های اطلاعاتی غربی و اسرائیلی برخوردار هستند. به همین دلیل، بریگاد گروه مبارزان مسلمان شاخه لیبی به ریاست عبدالحکیم به سوریه فرستاده شدند، و تحت نظارت نیروهای ویژه ناتو دست به اعمال تروریستی می زنند.

نقش مرکزی سفیر ایالات متحده روبرت فورد

سفیر ایالات متحده روبرت فورد در اواخر ماه ژانویه 2011 در اوج جنبش اعتراضی در مصر به دمشق فرستاده شد. (نویسنده در 27 ژانویه 2011 در دمشق به سر می برد، یعنی روز که فرستاده واشینگتن اعتبار نامه خود را به دولت اسد تحویل داد).

در آغاز سفرم به سوریه در ژانویه 2011، به معنای این انتخاب سیاسی فکر می کردم، و به نقشی که او می توان در روند پنهانی در بی ثبات سازی سیاسی به اجرا گذارد. با این وجود تصور نمی کردم که طرح بی ثبات سازی دو ماه پس از ورود روبرت فورد به عنوان سفیر ایالات متحده در سوریه، به اجرا گذاشته شود. بازگشت سفیر ایالات متحده به دمشق، و مشخصا فردی مانند روبرت فورد در این مقام، مستقیما با آغاز جنبش اعتراضی علیه دولت بشار الاسد در اواسط مارس مرتبط می باشد.

روبرت فورد، فرد چنین وضعیتی بود. به عنوان مرد شماره 2 در سفارت ایالات متحده در عراق (2004-2005) تحت ریاست جان نگروپونت، نقش کلیدی در ایجاد یک «راه کار آزادیبخش» در عراق ایفا کرد. این راه کار عبارت بود از پشتیبانی اسکادران های مرگ عراقی و نیروهای شبهه نظامی که از روی الگوی تجربیات آمریکای مرکزی تهیه شده بود.

باید یادآوری کنیم ، رئیس سیا، ژنرال دیوید پتروس (1) که اخیرا توسط اوباما برگزیده شده، او در سازماندهی کمک های سرّی به نیروهای شورشگر و «مبارزان آزادی»، و در عین حال اجرای طرح های نفوذی در نیروهای نظامی و اطلاعاتی سوریه، و غیره، تأثیر قاطعانه ای داشته است.

در سفارت ایالات متحده در بغداد به سال 2004، در هم آهنگی با جان نگروپونت و روبرت فورد، دیوید پتروس طرح «ضد شورش» [فرماندهی موقت امنیت چند ملیتی] [در عراق] را هدایت کرد.



L'ambassadeur Ford à Hama, Syrie, en juillet 2011.

فورد سفیر ایالات متحده در هاما، سوریه، ژوئیه 2011

نقش نیرنگ آمیز رسانه های غربی

رسانه های غربی به هیچ عنوان از نقش پیمان نظامی ایالات متحده، ناتو و اسرائیل در برپا ساختن شورش های مسلحانه حرفی نمی زنند. علاوه بر این، چند جبهه مترقی نیز کورکورانه با ناتو هم آواز شده اند.

خیلی به سادگی از نقش عملیات سرّی سرویس های اطلاعاتی سیا و ام 16 در پشتیبانی از گروه های مسلح خبری نیست. بر اساس برخی گزارشات، گروه های شبهه نظامی سلفی که در عملیات تروریستی شرکت داشته اند، به شکل سرّی توسط سرویس های اطلاعاتی اسرائیل (موساد) پشتیبانی شده اند. اخوان المسلمین از پشتیبانی ترکیه و اینتلیجنت سرویس. اخوان المسلمین از سال 1950 از حمایت های سرویس های سرّی در اینتلیجنت سرویس برخوردار بوده است.

به طور کلی، رسانه های غربی افکار عمومی را در مورد چگونگی و هویت جنبش اعتراضی عرب به اشتباه انداخته اند، و از پشتیبانی های وزارت دولت ایالات متحده و بنیاد های آمریکایی (2) حرفی نمی زنند.

موضوعی که شناخته شده است و پرونده های متعددی درباره آن وجود دارد، این است که وزارت دولت ایالات متحده از سال 2006 تأمین مالی مخالفان رئیس جمهور بشار الاسد را به عهده دارد.

[U.S. admits funding Syrian opposition - World - CBC News](http://www.cbc.ca/world/story/2011/04/18-us-syria-funding.html)

(18 avril 2011.)

رسانه ها چنین جلوه دادند که جریان اعتراضی در سوریه در پیوند با پیکره «بهار عرب» بوده، و آن را در اذهان عمومی به عنوان جریان اعتراضی دموکراتیک تلقی کردند که به شکل خود به خودی از مصر و مغرب به مشرق گسترش یافته است.

با این وجود دلایل گوناگونی وجود دارد که حوادث سوریه را به عنوان طرحی نشان می دهد که در هماهنگی با روندهای تعویض رژیم در کشورهای دیگر، مانند مصر و تونس، از مدت ها پیش آماده شده بود.

اوج گیری جنبش اعتراضی جنوب شهر مرزی در عا به دقت تهیه شده بود تا حوادث تونس و مصر را گسترش دهد.

رسانه ها در هم سرایی جمعی شان حوادث سوریه را به عنوان «جنبش اعتراضی صلح آمیز» علیه دولت بشار الاسد معرفی کردند، در حالی که مدارک عینی تأیید می کنند که گروه های مسلح اسلام گرا مسئول اعمال تروریستی هستند. همین گروه های اسلام گرا نیز هستند که در تظاهرات به شکل نفوذی عمل می کنند.

در نتیجه می بینیم که تحریف رسانه ای در سطح بسیار گسترده انجام گرفته است. تظاهرات عظیم به طرفداری از دولت را به سادگی به عنوان دلیل و مدرک (به عنوان مثال به شکل پرونده تصویری) به عنوان تظاهرات ضد دولتی جازدند. گزارشاتی که درباره تلفات منتشر می شود، بر اساس «شاهدان عینی» و یا نظریات افرادی تهیه شده است که به اپوزیسیون سوریه در تبعید تعلق دارد، و فاقد اعتبار است.

گزارشات در مورد تلفات براساس «شاهدان عینی» و یا نظریات مخالفان رژیم در تبعید تهیه شده و فاقد اعتبار می باشد. دیدبان حقوق بشر شاخه سوریه که در لندن مستقر می باشد، و غالباً در رسانه ها به عنوان «منبع معتبر» از آن یاد می شود. رسانه های اسرائیلی، با اجتناب از موضوع شورش مسلحانه، به طور ضمنی رویارویی نیروهای سوریه علیه گروه شبهه نظامی حرفه ای متشکل را تأیید کرده اند. در نبود داده های معتبر، مانع از این نبوده است که رسانه های غربی – به اصطلاح – «ارقام رسمی» را در مورد قربانیان اعلام نکنند. ولی باید پرسید که، منابع این داده ها کدام بوده؟ چه کسانی مسئول این تلفات هستند؟

چهار راه خطرناک : به سوی جنگی گسترده در خاورمیانه و آسیای مرکزی

اوج گیری آتش جنگ جزء لاینفک برنامه نظامی می باشد. بی ثبات سازی دولت های حاکم از راه «تعویض رژیم» در رابطه تنگاتنگ با طرح نظامی است. طرح عملیات نظامی بر اساس صحنه های جنگ تناوبی – یکی پس از دیگری – توسط ایالات متحده و ناتو تهیه شده است.

تدارکات جنگی برای حمله به سوریه و ایران از چندین سال پیش در «مراحل پیش رفته» آماده شده بوده است.

طراحان نظامی ایالات متحده، ناتو و اسرائیل خطوط اصلی اردوی نظامی «بشر دوستانه» را ترسیم کرده اند، که در آن ترکیه به عنوان دومین قدرت بزرگ نظامی در ناتو، نقش مرکزی را بازی خواهد کرد.

ما در چهار راه خطرناکی قرار گرفته ایم. اگر عملیات نظامی ایالات متحده و ناتو علیه سوریه به اجرا گذاشته شود، منطقه وسیعی از شمال آفریقا تا مرزهای افغانستان و پاکستان تا مرز چین، یعنی منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی در آتش جنگی گسترده غرق خواهد شد.

در حال حاضر چهار صحنه جنگی را می توانیم تشخیص دهیم : افغانستان و پاکستان، عراق، فلسطین و لیبی.

حمله علیه سوریه، دیر یا زود، به گسترش این مناطق جنگی مستقل به تمام خاورمیانه و آسیای مرکزی خواهد انجامید.

راهی که به تهران ختم می شود، از دمشق عبور می کند. جنگ به فرماندهی ایالات متحده و ناتو علیه ایران، نخستین مرحله از اردوی بی ثبات سازی (تعویض رژیم)، شامل عملیات سرّی اطلاعاتی با پشتیبانی نیروهای شورشی علیه دولت سوریه خواهد بود.

جنگ علیه سوریه می تواند به عنوان اردوی نظامی ایالات متحده و ناتو علیه ایران تلقی گردد، که در آن ترکیه و اسرائیل مستقیماً دخالت خواهند داشت. در عین حال موجب بی ثبات سازی لبنان نیز خواهد شد که در حال حاضر در شرف تکوین است.

امروز بیش از هر زمان دیگری، ضرورتی حیاتی ایجاب می کند تا شبکه های تحریف و دروغ رسانه ای را افشا کنیم.

میشل شوسودوسکی، مونترال، 11 فوریه 2012

Michel Chossudovsky, Montréal, le 11 février 2012

Article original en anglais publié le 11 février : [SYRIA: NATO's Next "Humanitarian" War?](#)

Traduction Julie Lévesque pour [Mondialisation.ca](#)

Michel Chossudovsky est un collaborateur régulier de Mondialisation.ca. [Articles de Michel Chossudovsky publiés par Mondialisation.ca](#)

پانوشت

-1

David Petraeus

-2

le National Endowment for Democracy (NED)